

خبرنامه

۳ پروژه و ۱۲ کیلومتر رانندگی کمتر

دور زدن در مسیر غرب‌به‌غرب بزرگراه آر تتش برای رانندگان همیشه یک دغدغه و چالش بزرگ بود. حتی گهگاه خبرهایی هم مبنی بر تصادف منجر به فوت در همین نقطه از منطقه یک منتشر می‌شد.حالا خبر رسیده که کلنگ ساخت پل دوربر گردان غیرهمسطح در این نقطه حادثه‌خیز به زمین زده شده.

«سید مهدی صیاب»، شهردار منطقه یک، برای ساکنان محله‌های سوهانک، بلوار شاهد و شهروندانی که برای رفت‌وآمد روزانه از بزرگراه‌های شرق منطقه یک استفاده می‌کنند خبر دیگری هم داد: «دو پل دوربر گردان بزرگراه آر تش در شرق بلوار سوهانک و شرق بلوار شاهد و تقاطع غیرهمسطح بزرگراه شهید باقری- بزرگراه شهید بابایی، سه پروژه بزرگ ترافیکی و عمرانی اجرایی در شمال تهران است که کلید خورده‌اند.» با تکمیل شدن یکی از این پروژه‌ها رانندگانی که می‌خواستند از مسیر بزرگراه شهیدباقری شمال به مسیر شهیدبابایی غرب بروند، ۱۲ کیلومتر کمتر رانندگی خواهند کرد. صیاب درباره جزئیات اجرای این پروژه گفته است: «تکمیل نشدن و بن بست بودن شبکه بزرگراهی شهیدباقری باعث افزایش طول سفر خودروها می‌شد و کسانی که درخواست تردد از شهید بابایی شرق به شهید باقری جنوب و نیز از شهید باقری شمال به شهید بابایی غرب را داشتند باید وارد بلوار نیروی زمینی و سپس زیرگذر و... می‌شدند و بیش از ۱۲ کیلومتر اضافه رانندگی می‌کردند.»



خبر

سرخه حصار برای دیدار شما آماده شد

شهروندانی که این هفته در تکه سیزدهم پایتخت رفت‌وآمد داشته‌اند، به‌ویژه ساکنان محله‌هایی مانند تهرانپارس، دردشت، آشتیانی، پیروزی، حافظیه و آن دور و اطراف، شاهد تغییری جدید در پارک جنگلی سرخه حصار بودند. از این به بعد شهروندان شرق تهران می‌توانند به‌راحتی خودروهایشان را در پارکینگ‌های ساخته‌شده در محدوده بوستان سرخه حصار پارک کنند، از عرض خیابان مهریار بدون ترس و واهمه بگذرند و در پیاده‌راه سرخه حصار قدم بزنند یا اگر دلشان تاکسی‌است، با راه‌اندازی خانه‌های دوچرخه‌خ، از دوچرخه‌های پیش‌بینی شده استفاده کنند. تمامی این خدمات به همراه ده‌ها پروژه دیگر این هفته با حضور مدیران شهری به بهره‌برداری رسیده است. «محمد‌های علی‌احمدی»، شهردار منطقه ۱۳، اطلاعات بیشتری درباره این پروژه‌ها می‌دهد: «پیاده‌راه سلامت در بوستان سرخه حصار به طول ۱۴۰۰ متر با تجهیزات ترافیکی و ملبمان شهری ساخته شده است. عملیات اصلاح هندسی و ایمن‌سازی رفیوژ میانی خیابان مهریار هم در محدوده میدان‌های چایچی با اطلاعات برای روان‌سازی و کانالیزه کردن حرکت وسایل نقلیه اجرایی شده است. اصلاح هندسی و بازگشایی دوربر گردان خیابان پیروزی، تقاطع امام علی(ع)، هم خواسته مردم بود که عملیاتی شد. همچنین برای ارتقای فرهنگ دوچرخه‌سواری، خانه‌های دوچرخه در سراسر محله‌های آشتیانی و نیروی هوایی جامعی شد.»

همین حوالی

۲۹ محله جنت‌آباد

و پویش آزادی زنان زندانی

چهارمین دوره پویش آزادی زنان زندانی با برگزاری گل‌ریزان در محله جنت‌آباد شمالی منطقه ۵ آغاز شده‌است.

پویش آزادی زنان زندانی طرح پیشبهادی شهرداری منطقه ۵ بوده که توانسته با کمک مردم، مادران زندانی با جرائم مالی را دوباره به آغوش خانواده برگرداند و اسامیل نیز در ۲۹ محله این منطقه اجرا می‌شود. به گفته احسان شریفی، شهردار منطقه، تا امروز ۱۶۸ زندانی آزاد شده‌اند که بعضی از آنها پیش از ۷ سال حکم زندان داشته‌اند. خبر دلگرم‌کننده دیگر هم اینکه شهرداری اشتغال‌زایی برای این زنان را پیگیری می‌کند.

شهروندان نیکوکار می‌توانند کمک‌های نقدی‌شان را برای آزادی زنان زندانی واریز کنند. مبالغ جمع‌آوری شده به‌حساب سازمان زندان‌ها و اوری می‌شود و آنها با معیارهای مشخص شده، زنان زندانی موردنظر را آزاد خواهند کرد.

اگرچه طرح پویش آزادی زنان زندانی در ۳ دوره در منطقه ۵ برگزار شده، ولی شهرداری منطقه ۵ در دوره چهارم از همه شهروندان دعوت می‌کند به این پویش پیوندند و مراسم گل‌ریزان را در محله‌های تهران برگزار کنند. شما تا میلاد حضرت‌فاطمه(س) فرصت دارید در این پویش شرکت کنید. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۳۳۵۷۷۳۳۱ تماس بگیرید.



در تشر



تاکسی خط مهربانی

حاج محمد، خود و تاکسی‌اش را هر روز از ۱۰ صبح به بعد وقف کار خیر کرده است

گزارش

حسن حسن‌زاده

روزنامه‌نگار

می‌کنم. یک خانه هم دارم که اجاره داده‌ام و بخشی از هزینه‌های زندگی‌مان از این راه تامین می‌شود. خدا را شکر فرزندانم درس خوانده‌اند و خودشان کار آبرومندانه دارند. پس من می‌مانم و همسرم که همین چند ساعت کار با تاکسی کفاف تامین حداقل‌های زندگی‌مان را می‌دهد. از ساعت ۱۰ صبح هم به مسجد صاحب‌الزمان(عج) خیابان اقبال می‌روم و پیگیر راه‌انداختن کار مراجعه‌کنندگان می‌شوم.»

حاج محمد سال‌هاست که داوطلبانه مسئولیت صندوق خیریه این مسجد قدیمی را بر عهده دارد. او از همین تاکسی برای بررسی و سرکشی به منازل نیازمندان استفاده می‌کند و همین تاکسی سسیدهای ارزاقی را که با کمک گردان تهیه شده به منازل خانوارهای نیازمند می‌رساند. راننده تاکسی نیکوکار با بیان اینکه اهالی محله، پروردگار خویش گذاشته همه این کارهای نیک را روزانه با همین تاکسی انجام می‌دهد. وقتی از ساعات کار و نحوه تامین مخارج زندگی‌اش می‌پرسیم، می‌گوید: «خدا، روزی‌سان است. نماز صبح را که می‌خوانم راهی خیابان می‌شوم. تا ساعت ۱۰ صبح برای خودم و همسرم کار

نیازمند توزیع می‌کنم.»

پدر کامیون‌سازی ایران روی دست آمریکایی‌ها بلند شد

صاحب نشان کار آفرین برتر

سال ۱۳۰۷ بود که علی‌اصغر قندچی در محله قنات آباد تهران در یک خانواده ۱۰ نفره دیده به جهان گشود؛ پسری که بعدها عنوان کار آفرین و پدر کامیون‌سازی ایران در تاریخ صنعت کشور به نامش ثبت شد.

گزارش

بهاره خسروی

روزنامه‌نگار

تأمین مخارج خانواده از کودکی

خاندان قندچی از بازاری‌های اصیل تهران بودند و پدر اصغر وکیل دادگستری بود. اصغر فرزند سوم و پسر ارشد در میان ۵ پسر و ۳ دختر بود. باطبع پدر و مادر برای پسر ارشد خانواده آرزوها و برنامه‌های زیادی داشتند تا او هم راه پدر را ادامه دهد و حرفه پدر را انتخاب کند و وکیل سرشناسی شود. درس خواندن در تحصیل برای خانواده قندچی یک ارزش بود، اما بر خلاف این دیدگاه خانواده، اصغر از درس و مدرسه حساسی گریزان، اما به همان اندازه شیفته کار بود.

او در کودکی پدرش را از دست داد و پدربزرگ و عمو‌ها عهده‌دار مخارج خانواده آنها شدند. به همین دلیل به اجبار تا کلاس هفتم بیشتر درس نخواند و خیلی زود درس و مدرسه را رها کرد و وارد بازار کار شد. او روزی از سر کنجکاوی با مستأجر خانه پدری‌اش به محل کار آقای همسایه که گاراژ مکانیکی بود، می‌رود و از همانجا شیفته پیچ و مهره و آچار و حرفه مکانیکی می‌شود. بر محوم قندچی در یکی از مصاحبه‌هایش تعریف می‌کرد: «برخلاف علقه پدرم به درس و تحصیل علم، من علاقه‌مند به کارهای فنی بودم و درس و مدرسه را بر پایه همین علاقه رها کردم.»

تاکسی ویژه افراد در راه مانده

ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود. یکی از فعالیت‌های جدی صندوق خیریه مسجد، رسیدگی به در راه ماندگان است. از آنجا که مسجد صاحب‌الزمان(عج) در مسیر دسترسی به ترینال شرق قرار دارد، از دیرباز افراد بسیاری برای تهیه

بلیت به این مسجد مراجعه می‌کنند و مسئولیت رسیدگی به این افراد هم برعهده حاج محمد است. او می‌گوید: «متأسفانه برخی از افراد سودجو به دروغ خود را در راه مانده جا می‌زنند. از طرفی اگر کسی واقعاً نیازمند باشد و مادست رد به سینه‌اش بزنیم، مسئولیتش برعهده ماست. پس باید ادعای این افراد بررسی شود. در صندوق خیریه می‌الفنی برای تهیه داریم که سا کمک اهالی تامین می‌شود. وقتی کسی با این ادعا مراجعه می‌کند، خودش و خانواده‌اش را با تاکسی به ترینال می‌برم و خودم برای آنها بلیت تهیه می‌کنم تا بیت‌المال در مسیر درستش هزینه‌شود.» با وجود این، حاج‌محمد به‌عنوان یک راننده تاکسی هم در خیابان بارها با این موارد روبه‌رو شده است: «برای من فرقی ندارد فرد در راه مانده به مسجد مراجعه کند یا یکی از مسافران تاکسی باشد. بارها پیش

دریست در خدمت بیماران نیازمند

تاکسی حاج محمد وقف خدمت‌رسانی به بیماران هم شده است. او صدها بیمار را با همین تاکسی به مراکز درمانی رسانده و دوباره به منزل‌شان برگردانده است. «حسن محمدی» یکی از نمازگزاران مسجد می‌گوید: «حاج محمد راننده تاکسی است اما شما دو را بیشتر در داروخانه‌ها می‌بینید که در صف دارو برای بیماران ایستاده است. نسخه‌های بیماران نیازمندی را که به مسجد مراجعه می‌کنند شخصاً به داروخانه می‌برد و خودش دارو‌ها را به‌دست بیماران می‌رساند. از طرفی بیماران نیازمند و سالمند محله را که توان رفت‌وآمد به مراکز درمانی ندارند با همین تاکسی به بیمارستان می‌برد و به خانه برمی‌گردد.»

کار خوب

بچه‌های کار و خیابان از اینجا به دانشگاه می‌روند

این خانه نخبه‌پرور است

سال‌ها بود دغدغه فعالیت‌های اجتماعی داشتند تا هم باری از دوش کشور بردارند و هم به ندای دل‌شان پاسخ بدهند. این بود که با دیدن کودکان کار، تصمیم گرفتند فعالیت‌شان را در این حوزه متمرکز کنند.

«قاسم حسنی» و «زهرابناساز» زوجی هستند که سال ۱۳۷۹، استارت شروع کار را از بوستان دروازه‌غار می‌زنند. به همراه چند دانشجوی داوطلب که آنها هم سر پرشوری داشتند به پارک‌های این محله که کودکان کار زیادی در آنجا بودند می‌روند. سر صحبت را با بچه‌ها باز می‌کنند و بعد از اینکه اعتمادشان را به‌دست می‌آورند، از آنها می‌خواهند که سر کلاس‌هایی که در پارک راه‌انداخته‌اند، حاضر شوند و خواندن و نوشتن یاد بگیرند. سال ۱۳۸۱ برای اینکه جایی داشته باشند که کودکان کار در آنجا جمع شوند، خانه‌ای می‌خرند و مجوز کارشان را از وزارت کشور می‌گیرند. در اول کار با ۱۸۰ کودک شروع می‌کنند و جلو می‌آیند تا می‌رسند به امروز. حالا هر سال هزار کودک را پوشش می‌دهند. در جشن ۲۰سالگی انجمن که همین چند روز پیش برگزار شد، طبق آمار اعلام شده‌شان، توانسته‌اند به زندگی ۱۴ هزار کودک کار و خیابان، فرقی نمی‌کنند ایرانی یا اتباع، سروسامان بدهند.

«شکوفای محمدی» یکی از داوطلبانی است که از همان سال‌های اول این انجمن همکاری می‌کند و مدتی است در دفتر انجمن در یوسف‌آباد، خیابان سوم، برای کودکان دل می‌سوزاند. او تأکید می‌کند که قلم همیشه برای ایران می‌تپید و درباره جزئیات کارشان توضیح می‌دهد: «محور فعالیت‌های این انجمن مددکاری، آموزش و ترویج است. ما کودکان کار را در مترو، اتوبوس، پارک‌ها، کارگاه‌های محدوده بازار، دروازه‌غار، میدان راه‌آهن و میدان خراسان و این جور جاها شناسایی می‌کنیم و بعد از ثبت‌نام با خانواده‌هایشان آشنا می‌شویم و حمایت‌های ما از آنها شروع می‌شود تا کودک در زمانی که در کلاس‌های ما حاضر است، خیالش از بابت خانواده راحت باشد.»

انجمن حمایت از کودکان کار، یک نهاد مردمی است که ریالی از دولت دریافت نمی‌کند و فقط با حمایت‌های خیران طی این سال‌ها سرپا ایستاده و توانسته کودکانی را آموزش دهد که به گفته محمدی، اکنون از افتخارات کشور هستند: «یکی از کودکان را زمانی که ۱۳ساله بود در کارگاهی در بازار شناسایی کردم. هوش سرشاری داشت. به او آموزش دادیم و بعد از مدتی به مدرسه البرز رفت. الان هم در دانشگاه تهران درس می‌خواند. با دختر خانمی دانشمند که خانواده‌اش همه کارتن جمع می‌کردند و او هم به خانواده کمک می‌کرد. با آموزش‌های ما اسامیل در رشته دکتری روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی قبول شد و از دواج موفق کرده است.»



نشان افتخار

پدر صنعت کامیون‌سازی ایران در دوران جنگ تحمیلی در بهسازی و ارتقای تجهیزات نظامی نقش آفرینی و در انتقال تانک و ماشین‌آلات سنگین به جبهه‌های خدماتی ارز شمشند و ماشین‌آلات کرد. اصغر قندچی، ۲۳ بهمن ۱۳۹۵ به پاس خدمات ارزنده حرفه‌ای در روزهای سخت کشور و خدمت به صنعت، تندیس و نشان کار آفرین برتر موسوم به «امین‌الضرب» را از دست معاون اول رئیس‌جمهور وقت حسن روحانی در یافت کرد. بر حوم قندچی، بنیانگذار شرکت ایران کاوه، در هفتم مرداد ۱۳۹۸ در سن ۹۱سالگی به آسمان ابدیت پرواز می‌کند، اما نام و خدمات او در صنعت کامیون‌سازی ایران همیشه ماندگار است.